



تاریخچه
بخش موسیقی
در رادیو



رتال جامع علوم انسانی

● هوشنگ جاوید

فرستنده دیگر در شهرهای تبریز، مشهد، کرمان، شیراز، کرمانشاه و خرمشهر، بنا به درخواست وزارت جنگ، نصب و راه اندازی شد.

از سال ۱۳۰۴ روزنامه‌هایی چون تخت جمشید به مدیریت «میرزا محمدعلی

دو سال بعد در شماره هفتم مجله ایران‌شهر چاپ برلین، یک محصل دارالفنون برلین به نام «فرهاد» مقاله‌ای تحت عنوان «تلفن بی‌سیم» نوشت که در آن رادیو را معرفی کرد. در پایان همین سال، یک فرستنده موج بلند در تهران و شش

انگیزه پیدایش و تأسیس رادیو در ایران توسط مطبوعات به وجود آمد؛ زیرا اولین مقاله در این مورد در مجله تحفه الادباء به مدیریت «بنان زاده» و «ادیب الممالک» در سال ۱۳۰۱ به چاپ رسید و عنوان آن «عصر تلفن بی‌سیم» بود.

شیرازی» و ایران که روزنامه یومیه بود و مهر، به دفعات، مقالاتی در مورد کاربرد و معرفی رادیو نوشتند. در یکی از مقالاتی که «مصطفی فاتح» آن را با عنوان «مسائل جاری اقتصادی و ایجاد استاسیون» نوشته، چنین آمده که: «رادیو یکی از بهترین وسایل برای نشر اخبار و تربیت مردم و توسعه وحدت ملی و ترویج زبان فارسی و آگاه کردن عامه و تعمیم معرفت عمومی است.»

او در برنامه ریزی پیشنهادی برای پخش موسیقی در رادیو چنین نوشت: «نیم ساعت دوم ساز و آواز تفریحی... نیم ساعت چهارم که بچه‌ها از مدرسه بازگشته‌اند، سرودهای ملی و پخش آهنگهای مطلوب بچه‌ها!»

تأکید مطبوعات و تأسی رضاخان به غرب، به ویژه آلمان، درباریان را به تکاپو انداخت تا طرح را به مرحله عمل درآورند، از این رو به طور شتابزده در جهت تبلیغ مکتب هیتلر و به دست آوردن دل رضاخان تصمیم به تأسیس رادیو در ایران گرفتند. در بهمن ماه ۱۳۱۶ اداره بی سیم این طرح را به تصویب رسانده و «شرکت هوختیف» ساختمان آن را شروع و کارخانه «تلفونکن آلمان» در اواخر آذر ۱۳۱۸ دستگاهها را تحویل داده و نصب آن دستگاهها در فروردین ۱۳۱۹ پایان یافت.

این فرستنده معروف به «بی سیم» در زمینهای قصر قجر (باشگاه پیام کنونی، کمی پایین تر از پل سیدخندان، خیابان دکتر

با سفیران در خارج از کشور انجام شد. تا کارشناسانه، به چگونگی به کارگیری و الگویی برای رادیو ایران به دست آید، که پخش موسیقی در رادیو ترکیه و اهمیت

(ساعت ۱۲:۴۵ تا ۱۳:۳۰) موسیقی ترک به طرز قدیم و جدید
(ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۴) کنسرت اروپایی کوچک (دسته‌ای)
(ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲) موسیقی اروپایی به وسیله ارکستر اداره و یا ارکستر ریاست جمهور

الف - جدول پخش موسیقی رادیو ترکیه تا پیش از مهر ماه ۱۳۱۸

در این باره پاسخ و گزارش سفیر ایران در ترکیه از همه جامع تر و راهبردی تر زیر می‌باشد: شناساندن ترکیه به دنیا، شناساندن موسیقی ترک... و بالاخره ممالک دیگر که در ترکیه به زبان آنها در رادیو اطلاعاتی می‌دهد و آنها معامله به مثل نموده و شروع کردند به انتشار اخبار زبان ترکی، چنانچه فعلاً رادیوی لندن، رم، پاریس و بلغارستان به زبان ترکی انتشاراتی داده و بعضیها از قبیل رم و لندن، حتی موسیقی ترک را هم می‌نوازند...»

او در بخش دیگری از این گزارش درباره چگونگی پخش موسیقی و نوع ارکسترها در رادیو ترکیه اینگونه توضیح می‌دهد: «تا قبل از مهرماه ۱۳۱۸ دستگاه رادیوی ترکیه فقط نشریات و نواهای موسیقی را در روز و شب با موج بلند پخش میکردند... اما از ابتدای مهرماه ۱۳۱۸ برنامه‌های موسیقی از رادیو ترکیه تغییر کرده و به صورت جدول الف و ب پخش می‌شود...»

کاظمی در بند پنجم و سیزدهم گزارش خود به نوع استخدام، وضعیت معیشتی و تعداد نفرات به کار گرفته شده نیز اشاره دارد: «بند پنجم: اداره رادیوی ترکیه علاوه بر کمکهایی که از طرف دانشکده عالی موسیقی در نواختن نواهای اروپایی به آن می‌شود، برای اینکه در اثر انتشار به برنامه لطمه‌ای وارد نیاید، عده زیادی زن و مرد

رادیو ایران به دلیل برنامه ریزی‌های تقلیدی، ابتدایی و عدم هماهنگی و مشورت با فرهنگ شناسان کشور تبدیل به یک کپی ناشیانه، فرمایشی و عجولانه، با برنامه‌های تقلیدی که انتشار آن هویت جامعه و فرهنگ ملی را تهدید می‌کرد، شده بود.

بود. «کاظمی» با توجه به نوع تفکر و هوسهای رضاخان و اعوانش که تقلیدی از «آتاتورک» و «هیتلر» بود و به سبب درایت سیاسی که داشت، در گزارش خود که برای

(ساعت ۱۲:۳۰) روی موج بلند و کوتاه، موسیقی ترک، موسیقی اروپایی...
(ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۲) موسیقی پخش می‌شود.

ب- جدول پخش موسیقی رادیو ترکیه بعد از مهر ماه ۱۳۱۸

نخست وزیر و دربار به تاریخ بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۱۸ طی شماره ۳۰۸۴ تنظیم و ارسال شده، ضمن دادن اطلاعات جامع و

شریعتی (فعلی) قرار داشت. همزمان با نزدیک شدن پایان کار ایستگاه، راینهای مختلفی آغاز و مکاتباتی



همزمان با
تاسیس رادیو
آمریکاییان نیز
حضور خود را
در عرصه
فرهنگ ایران
آغاز کرده
بودند و بنگاه
رادیویی NBC
پخش مستقیم
برنامه‌های
رادیو ایران را از
زمان افتتاح،
درخواست کرد
بود.



بین دو تا پنج نفر باشد، پنج لیره، به صورت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود و اگر از پنج نفر بیشتر باشند، به هر نفر ده لیره ترک در هر مرتبه پرداخت می‌شود.

به علاوه در هر ماه، یکی - دو مرتبه موزیک (سولو) داده می‌شود، در آن صورت در هر مرتبه به هر نوازنده ۲۰ لیره ترک پرداخت می‌شود».

گزارشی که سفیر ایران در ترکیه ارسال نمود، نسخه‌ای بی‌بدیل برای بنیاد موسیقی و پخش موسیقی در رادیو ایران بود، ولی افسوس آنطور که باید و شاید از آن استفاده نشد، مگر در مواردی کلی. ولی همین گزارش باعث پدید آمدن و شکل‌گیری سیستم اداری و تولیدی رادیو شد، «متین

ترک و به دیگران، روزانه پنج لیره ترک داده می‌شود.

دسته نوازندگان اروپایی (باند) نیز مرکب از ۵۰ تا ۵۵ نفرند که در هفته، دو مرتبه ارکستر می‌دهند، برای هر مرتبه به رئیس آنها ۲۵ لیره ترک و به هر یک از آنها روزانه پنج لیره ترک داده می‌شود.

دسته ارکستر جزء که مرکب از شش نفر می‌باشد و در هر هفته چهار تا پنج مرتبه کنسرت می‌دهند، به رئیس آنها روزی ده لیره و به هر یک از آنها (نوازندگان) روزی پنج لیره پرداخت می‌شود.

دسته موزیک اتاق استودیو که مرکب از دو تا هشت نفر می‌باشند که در هر ماه، چهار مرتبه کنسرت می‌دهند. اگر عده آنها

موسیقیدان و خواننده و نوازنده برای نشریات خود استخدام نموده... به زنان خواننده (که تا حدی جزء خوانندگان مشهور هستند) هر ماه ۲۸۰ لیره ترک می‌دهند که پس از وضع مالیات، تقریباً ۲۱۰ لیره ترک به آنها پرداخت می‌شود و برای مرد یا زن نوازنده از ۲۰۰ تا ۲۸۰ لیره ترک لحاظ می‌شود.

بند سیزدهم: هیئت ارکستر کوچک (اروپایی) مرکب از ۲۲ نفر که رئیس آنها هر ماه ۲۸۰ لیره ترک و دیگران از ۹۰ تا ۲۱۰ لیره حقوق دارند.

هیئت ارکستر متوسط، متشکل از ۴۵ تا ۵۰ نفر، که هر هفته دو مرتبه ارکستر می‌دهند، در هر مرتبه به رئیس آنها ۲۵ لیره

دفتری»- نخست وزیر وقت - سعی نمود چیزی شبیه به همین برنامه را در ابعادی بسیار ناشیانه و ابتدایی، بدون هماهنگی و

زمان تشکیل شد و کمیسیونی برای این رسانه به ریاست «رضاقلی امیر خسروی» پدید آمد. در این کمیسیون براساس برنامه‌ای

اختصاص دادند و در آن دو تصمیم پیرامون پخش موسیقی از این رسانه گرفته شد: اول این‌که از طرف وزارت پست و تلگراف، کابل رادیو (به طول ۵۸ کیلومتر) به تالار دارالفنون و باغ فردوس شمیران که مرکز تشکیل مجالس و سخنرانیهای پرورش افکار است کشیده شود تا قطعات موسیقی به سهولت مورداستفاده برنامه رادیو قرار گیرد و قابل پخش باشد.

دوم، برنامه پخش موسیقی عصر رادیو جدول‌بندی شده و در برنامه وسط روز تغییری داده نشود.

پنج عضو شورای فوق (حکیمی، سمیعی، دکتر داریوش، فرهودی و معتمدی) آن را امضاء و تصویب کرده و متین دفتری طی نامه شماره ۱۵۲۸۷ در تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۱۹ مصوبه را به ریاست دفتر مخصوص شاه اعلام کرد و در پایان آن اظهار داشت: «... با این دستگاه می‌توان موسیقی را در تمام کشور شاهنشاهی و سایر کشورها پخش کرد». در ضمن پیشنهاد می‌کند که روز گشایش رسانه رادیو را چهارم اردیبهشت، که مصادف با روز جشن سالگرد سازمان پرورش افکار بود، قرار دهند. (جدول ج)

ساعت ۱۷ تا ۱۷:۳۰	موسیقی صفحه فرنگی
ساعت ۱۷:۴۵ تا ۱۸:۱۵	ساز و آواز ایرانی
ساعت ۱۸:۳۰ تا ۱۹	موسیقی صفحه فرنگی
ساعت ۱۹:۳۰ تا ۲۰	ساز و آواز ایرانی
ساعت ۲۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰	موسیقی ارکستر اروپایی (زنده)
ساعت ۲۲ تا ۲۳	موسیقی صفحه فرنگی

ج- جدول پخش برنامه موسیقی که پیشنهاد داده شده بود

که کاظمی گزارش کرده بود، برنامه پخش موسیقی در رادیو نیز طراحی شد و طی نامه شماره ۷۴۹ به تاریخ هجدهم اسفندماه ۱۳۱۸ برای نخست وزیر وقت ارسال شد. در این نامه اعلام شد که: «... انتشار برنامه در هر روز، هشت ساعت و نیم ادامه دارد و در دو نوبت (از ساعت ۱۷:۵ تا ۱۴ و از ساعت ۱۷ الی ۲۳ شب، که از مدت مزبور پنج ساعت برای انتشار سرودها، ساز و آواز ایرانی و موسیقی بین‌المللی تخصیص داده شده) پخش می‌شود.

تفکر درست و مشورت لازم با فرهنگ- شناسان کشور، در راه‌اندازی رسانه رادیو ایران، تنظیم کند. آنچه در این مقوله از اهمیت برخوردار نبود، موسیقی ایرانی در این رسانه و یا تفکر به موسیقی رسانه‌ای ایرانی بود.

در نتیجه رادیوی ایران تشکیل شده بود از یک کمی ناشیانه، فرمایشی و عجولانه، با برنامه‌های تقلیدی که انتشار آن هويت جامعه و فرهنگ ملی را تهدید می‌کرد. شاخصهایی که در این موضوع چشمگیر بودند عبارتند از:

- تقلید از بیگانه در به‌کارگیری این رسانه که معلول ذهنیت کنترل اجتماع است.
- ترویج و تبلیغ فرهنگ موسیقی بیگانه در سطح وسیع
- اشاعه و ارائه نوعی از موسیقی طبقات فرودست اجتماع
- تقلید از برنامه‌ریزی و موضوع‌پردازی بیگانگان و تبلیغ خواسته‌های درباریان و شاه.

پیش از راه‌اندازی رادیو در ایران، جلساتی در «سازمان پرورش افکار»^(۱) آن-

ساعت ۱۹	سرود شاهنشاهی
ساعت ۲۰:۲۰ تا ۲۰:۳۰	سرودهای ستایش شاه، مهر شاه، سرود کوشش
ساعت ۲۱ تا ۲۱:۳۰	موسیقی غربی
ساعت ۲۱ تا ۲۱:۳۰	موسیقی ایرانی
ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲	موسیقی مختلف با استفاده از صفحه
ساعت ۲۲ تا ۲۳	ختم برنامه - سرود شاهنشاهی

د- جدول پیشنهادی مصوب پخش موسیقی در روز افتتاح رادیو

با تاسیس رادیو وزرای بیگانه دوست وقت، برای تبلیغ و رواج فرهنگ غرب در کشور با استفاده از این رسانه، دست به‌کار

بدین ترتیب هشت روز بعد در تاریخ بیست و نهم اسفند ۱۳۱۸ در شورای سازمان پرورش افکار جلسه‌ای را به این نامه





**موسیقیدانان
اروپایی انتخاب شده
عاهده دار تبلیغ
مورد نظر دربار، در
زمینه ترویج اصول و
مبانی و نوع موسیقی
غربی در ایران شده
و اجرای موسیقی
غربی را از روز افتتاح
رادیو نیز به عهده
گرفتند، بدون آنکه
به علائق، فرهنگ و
آیینهای ایرانیان
و جامعه سنتی ایران
آشنا باشند.**

دست بزنند و برنامه‌ها در نهایت از سوی نخست‌وزیری، چنین تنظیم، تأیید و ایفاد شد که در روز افتتاح رادیو (روز جشن سالپایه سازمان پرورش افکار)، موسیقی طبق جدول د پخش شود.

گروهی که اجرای موسیقی غربی را به‌طور زنده به عهده گرفته بود، متشکل از نوازندگان چکسلواکی، ارمانه مقیم ایران و چند ایرانی بود که برخی از آنان عبارت بودند از: «خوتسیف»، «شمولیک»، «ژیلبر»، «بالن»، «اوربانتس»، «اسمولیک»، «اسلادک»، «بیزا»، «پوندکیچک»، «کمتس»، «هلتس»، «صفریان»، «دلگی مقدم» و «خانم توران اعلم» که پیانو می‌نواخت.

حضور این نوازندگان اروپایی که به

جلسات پی‌درپی سازمان پرورش افکار و وزارت فرهنگ و کمیسیون رادیو منجر به این شد که در نهایت، «مین‌باشیان»، که تحصیلات خود را در رشته ویلن در آلمان انجام داده بود و به علت عدم اطلاع از موسیقی ایرانی و ملی نسبت به این رشته بی‌علاقه بود و با دستگاه رضاخان نزدیکی داشت و در آن زمان به سبب روابط، جانشین «علینقی وزیری» شده بود، موظف شود تا اجرای برنامه موسیقیهای زنده رادیو را به عهده گرفته، نظارت نماید و با عده‌ای از دانش‌آموزان هنرستان عالی موسیقی، که در سال ۱۳۱۷ راه‌اندازی شده بود موسیقی لازم را فراهم نماید.

وزارتخانه‌ها تلاش می‌کردند تا با این رسانه جدید، به تحرکات تبلیغاتی فرمایشی

می‌شدند، در این زمان آمریکائیان حضور خود را در عرصه فرهنگ ایران آغاز کرده بودند و بنگاه رادیویی NBC پخش مستقیم برنامه‌های رادیو ایران را از زمان افتتاح، درخواست کرده بود. «ابراهیم علم»- وزیر پست و تلگراف و تلفن- طی نامه‌ای که برای نخست‌وزیر در تاریخ هفتم فروردین ۱۳۱۹ به شماره ۲۶۲/۲۵ نوشت، اطلاع می‌دهد که: «... بنگاه رادیویی NBC تقاضا کرده با شروع پخش صدای ایران ترتیبی داده شود که برنامه مخصوص به امریکا نیز انتقال داده شود.»

او ضمناً در پایان پیشنهاد می‌دهد که: «به عقیده این وزارت، این برنامه‌ها بایستی شامل قطعات موسیقی ایرانی غربی‌پسند و اروپایی... باشد»^(۲).

ایران آمده بودند و چندسالی موسیقی رسانه رادیو را در این کشور به عهده گرفته بودند، حکایت جالبی دارد که مختصراً از لابلای اسناد موجود تاریخی می توان آنرا بیان نمود؛ قضیه از این قرار بود که نخست وزیر در تاریخ شانزدهم آبان ۱۳۱۷ به مین باشیان که رئیس موسیقی کشور شده بود دستور داد تا موضوع را به انجام برساند. رضاخان از موسیقی غربی به خصوص موسیقی آلمانی لذت می برد و هدف از تشکیل اداره موسیقی کشور بیشتر تبلیغ موسیقی غربی و رواج آن در ایران بود، چندانکه در نامه یادشده، بند اول نشان می دهد که چگونه از همان ابتدا ریشه فرهنگ موسیقی خودی هدف گرفته شده بود؛ دستور چنین است: «پیرو ابلاغ شماره ۲۳۵۱۹ مورخه ششم مهرماه سال ۱۳۱۷ حسب الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر گردیده که

اداره ای به نام موسیقی کشور در این وزارتخانه به منظور «تغییر موسیقی کشور» و «برقرار نمودن اساس آن بر روی اصول و قواعد و گامهای موسیقی غربی» تأسیس گردد.

وظایفی که در این دستور ابلاغ می شود نیز حاکی از پیروی از فرهنگ بیگانه در قالب توجه به تمدن نوین است که بدون توجه به اصالتهای فرهنگی ایران، تصمیم



پیرو ابلاغ ششم مهرماه سال ۱۳۱۷ رضاخان، مقرر گردید که اداره ای به نام موسیقی کشور در این وزارتخانه به منظور «تغییر موسیقی کشور» و «برقرار نمودن اساس آن بر روی اصول و قواعد و گامهای موسیقی غربی» تأسیس گردد.

گیری شده است. وظایف مشخص شده را از سند شماره ۳۰۱۶۳/۶۳۰۳ مرور می کنیم:

- ساختن و انتشار قطعات موسیقی و سرود و تألیفها طبق اصول و آیین موسیقی جدید و متداول نمودن قطعات، کتابها و روشهای موسیقی ادبی و علمی و موسیقی غربی

- تأسیس مجله موسیقی و نشر مقالات و تشکیل کنسرتها و نمایش و مجالس

سخنرانی برای آشناکردن اذهان و تعمیم موسیقی جدید بین اهالی کشور - نظارت در تألیفات و مقالات، کتب و نت موسیقی و کنسرتها و نمایش و سایر اموری که ارتباط با موسیقی دارد و جلوگیری از آنچه موافق موسیقی جدید نباشد.

با چنین دیدگاهی ترویج فرهنگ موسیقی غربی، مجری غربی می طلبید. به همین سبب درباریان با پول ملت مظلوم و تحت ستم، به دنبال نفرات موسیقی، کشورهای اروپایی و خاورمیانه را می گشتند تا دستور به مرحله انجام برسد. نخست وزیر مکرر به وزیر فرهنگ تأکید می کرد که وی با مین باشیان در این مورد همکاری لازم را داشته باشد. یکی از آن مکاتبات را به شماره ۱۰۸۸۲ که متین دفتری در تاریخ شانزدهم آبان ۱۳۱۷ برای «مرآت» می نویسد مرور می کنیم:

«... برای تشکیل یک ارکستر کامل (ارکستر غربی) و تکمیل هنرستان عالی موسیقی، مقرر است چند نفر موسیقیدان که صورت آنها را آقای مین باشیان خواهند داد از خارجه استخدام شوند. مراتب از شرف عرض مبارک همایونی گذشته و اجازه فرمودند ترتیب اجرای این امر را با جلب نظر آقای مین باشیان بدهید.»

با این دستور، اقدام آغاز شد و مین



باشیان به کفیل وزارت فرهنگ چنین ابراز می‌کرد که: «... چون این اشخاص در نواختن سازه‌هایی تخصص خواهند داشت که در موزیک ارتش نیز متداول است، به این ترتیب وسایل تعليماتی شعبه عالی موسیقی نظام در هنرستان موسیقی نیز فراهم و افسران موزیک ارتش هم در تکمیل تحصيلات عالی خود در صورتی که لازم بدانند می‌توانند از وجود این متخصصان استفاده نمایند.»

و مرآت که می‌بیند با این کار ضمن آنکه با یک تیر دو نشان زده‌اند و به نوعی زمینه تبلیغات موسیقی غربی نیز گسترده‌تر می‌شود، به سرعت طی نامه شماره ۳۰۴۴۳/۶۳۶۴ تاریخ بیست و یکم آبان ۱۳۱۷ مراتب را به آگاهی وزیر و دربار می‌رساند.

همزمان با این نامه‌نگاریها که از سویی مین‌باشیان به دنبال استاد ناظر بر هنرستان می‌گشت و نمی‌دانست «بارون پلینگ» که فقط اسمش را شنیده بود، در سوریه ساکن است یا جای دیگر، ملیتش چیست و تابعیت کج‌جا پذیرفته، پیشنهاد پیدا کردن او را داد، و از سوی دیگر وزیر فرهنگ به دنبال شکل‌گیری ساختمان رادیو بود و با وزیر تلگراف و تلفن کلنجر می‌رفت، «مظفر اعلم» نیز در پراگ، به قول خودش با مشارکت رئیس کل فرهنگستان موسیقی آنجا دست به کار می‌شود تا چند نفر را که او موسیقیدان درجه اول دنیا نامیده به استخدام درآورد و در تلگراف خیلی فوری خود در تاریخ بیست و چهارم دی‌ماه ۱۳۱۷ که به ریاست وزیران ایران می‌نویسد، به این مسئله اشاره می‌کند و حتی درخواست میزان حقوق پیشنهادی را می‌دهد. گویا افراد، اول دستمزد را جویا شده بودند و چون اوضاع پراگ نیز به هم ریخته بوده و

زندگی خوبی نداشته‌اند، براساس میزان پیشنهادی می‌خواستند، قبول مسئولیت کنند که بعدها در نامه‌نگاریهای درباریان به این مسئله هم اشاره شده است. در هر حال، مبلغ چهار هزار ریال، که آن موقع پول کلانی برای اجرای هنری بوده، اعلام

تأکید مطبوعات و تأسی

رضاخان به غرب، به ویژه

آلمان، درباریان را به تکاپو

انداخت تا طرح تاسیس رادیو

در ایران را به طور شتابزده در

جهت تبلیغ مکتب هیتلر و

به دست آوردن دل رضاخان

به اجرا درآورد.

می‌گردد و نخست وزیر در پایان نامه‌ای که به شماره ۱۴۹۷۸ تاریخ پانزدهم بهمن ۱۳۱۷ برای وزیر فرهنگ می‌نویسد، اعلام نارضایتی خود را از پرداخت این مبلغ ابراز می‌دارد و متذکر می‌شود که: «... در هر صورت مبلغی که متخصصان به عنوان حقوق می‌خواهند خیلی گزاف به نظر می‌رسد!!»

با این تمهیدات این افراد که در اپرای ملی و فیلارمونیک پراگ مشغول به کار بودند به ایران می‌آمدند. اینان براساس مدارک و اسناد موجود کاملاً از سوی دربار و با هماهنگی دولت آلمان شناسایی شده بودند و مشخص شده که از مهاجران یهودی تبار آلمان بوده‌اند که در پراگ ساکن شده و فارغ‌التحصیل مدرسه عالی موسیقی برلین‌اند.

با نظر «پروفسور کورتس» - رئیس کل آکادمی موسیقی پراگ - این افراد عهده‌دار تبلیغ مورد نظر دربار در زمینه ترویج اصول و مبانی و نوع موسیقی غربی در ایران شده و برای مدت سه سال خورشیدی استخدام و به کار گرفته شدند. همین افراد، تبلیغ، ترویج و اجرای موسیقی غربی را از روز افتتاح رادیو نیز به عهده گرفتند، بدون آنکه به علائق، فرهنگ و آیینهای ایرانیان و جامعه سنتی ایران آشنا باشند. این افراد عبارت بودند از: «فرانتی شک هلکل»، با روزی ۱۵۷۸۳۴ ریال دستمزد که ۳۷۸۳۴ ریال از این مبلغ به صورت ارزی به او پرداخت می‌شد و «کارل کلوگر»، «داکلاو کوتاس»، «یاروسلاو بیزا»، «ژوزف اشمولیک»، «دورال اوربانس»، «یاروسلاو پوندلیچیک» و «کارل ژان زویک» با روزی ۱۵۷۵۶۶ ریال دستمزد که از این مبلغ ۳۷۸۳۴ ریال آن به ارز به ایشان پرداخت می‌شد و برای کار در رادیو نیز پاداش ماهیانه جداگانه‌ای از سوی مین‌باشیان به آنان پرداخت می‌شد.

پاورقی

- ۱- این سازمان بعد از حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران و تغییر شاه منحل شد.
- ۲- تأکید بر کلمه غربی‌پسند و موسیقی اروپایی گویای هزار نکته نهفته برای ایجاد تغییر فرهنگ است.

این مقاله قسمتی از تحقیقی با عنوان «موسیقی و رسانه» است که نگارنده برای تحقق و توسعه صدا انجام داده است.

